

## بررسی نظریه ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، و نقد آن با تکیه بر منابع اهل سنت<sup>۱</sup>

دکتر محسن رفیعی<sup>۲</sup>

دکتر معصومه شریفی<sup>۳</sup>

### چکیده

مرجعیت علمی امام علی علیه السلام، از جمله مسائل مطرح در جامعه اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، به گونه‌ای که از دیرباز، اذهان بسیاری از محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف نموده است. برجستگی علم امام علی علیه السلام تا به اندازه‌ای بوده که بزرگانی از صحابه هم‌چون ابن عباس - که خود، مشهور به «حبر الأُمّه»، «بحر»، «ترجمان القرآن»، «رئیس المفسرین» و «فقیه العصر» است - از تربیت یافتگان آن حضرت بوده و به شاگردی خویش، افتخار کرده‌اند.

ابن تیمیّه، رابطه شاگردی و استادی را میان ابن عباس و امام علی علیه السلام انکار می‌کند. این در حالی است که بنا به اعتراف منابع اهل سنت، ابن عباس همواره تصریح کرده که سرچشمه دانش وی در تفسیر، امام علی علیه السلام بوده و آن حضرت را برترین استاد خویش پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است.

ابن تیمیّه، در رویارویی با اهل بیت علیهم السلام، با اهدافی هم‌چون مرجعیت‌زدایی از ایشان و مرجعیت‌سازی برای دیگران، همواره روش تکذیب، تضعیف و توجیه در پیش گرفته، بسیاری از

۱- تاریخ ورود: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۵/۱۴.

۲- عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (تربیت معلّم آیت الله طالقانی رحمته الله علیه - قم).

۳- عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (تربیت معلّم حضرت معصومه علیها السلام - قم).

حقایق مسلم روایی و تاریخی را نادیده گرفته است. دیدگاه وی در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، به دلیل تعارض با این حقایق، پذیرفتنی نبوده و قابل نقد می‌باشد. واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، امام علی علیه السلام، ابن عباس، ابن تیمیه، اهل سنت.

### بیان مسئله

مسئله مرجعیت - به طور عام - و مرجعیت علمی امام علی علیه السلام - به طور خاص - در میان امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دیرباز از جمله مسائل مطرح در میان مسلمانان بوده و آذهان محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف داشته است. بسیاری از مسلمانان، امیر مؤمنان امام علی علیه السلام را شاگرد اول مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آگاه‌ترین فرد به سنت آن حضرت و فقه و تفسیر و قضاوت دانسته‌اند، ولی افرادی چون ابن تیمیه، مرجعیت علمی امام علیه السلام را قبول ندارند و شاگردی صحابه‌هایی چون ابن عباس را در زمینه‌های تفسیر و فقه در نزد آن حضرت، انکار می‌کنند.

مسئله مرجعیت علمی امام علی علیه السلام را از زوایای گوناگون می‌توان بررسی کرد. این نوشتار، تنها عهده‌دار بررسی و نقد نظریه ابن تیمیه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، البته با تکیه بر منابع اهل سنت و دیدگاه سنّیان در این باره است. شرط موقفیت در تبیین این مسئله، آن است که معلوم شود آیا ابن عباس نزد امام علی علیه السلام شاگردی کرده است یا نه؟ منابع اهل سنت در این باره چه می‌گویند؟ نظریه ابن تیمیه در این باره، تا چه اندازه با واقعیت، مطابقت دارد؟ و نقدهای وارد بر ابن تیمیه چیست؟

پاسخ مثبت یا منفی به پرسش‌های یاد شده، افزون بر این که میزان درستی یا نادرستی نظریه ابن تیمیه را هویدا می‌سازد، گوشه‌ای از جایگاه امام علی علیه السلام را نیز در مرجعیت علمی امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشن خواهد کرد.

### سیری در دیدگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه، افزون بر این که نمی‌پذیرد مالک با چند واسطه نزد ابن عباس، و ابن عباس نزد امیر مؤمنان امام علی علیه السلام شاگردی کرده باشد، این گونه می‌نویسد: «و این سخن که ابن عباس شاگرد علی است، باطل است. روایت ابن عباس از علی اندک است و بیشترین دریافت‌های او از عمر و زید بن ثابت و ابوهریره و سایر صحابه است. وی به قول ابوبکر و عمر، فتوا می‌داد و در برخی از مسائل، با علی منازعه داشت.» (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۲۵).

هم‌چنین ابن تیمیّه، نمی‌پذیرد که علم تفسیر از امام علی علیه السلام جوشش گرفته است. وی دربارهٔ این‌که ابن عباس، شاگرد امام علی بوده و گفته «حدّثنی أمير المؤمنين فی تفسیر الباء من بسم الله الرحمن الرحيم من أوّل اللیل إلى آخره» می‌نویسد: «به مجرد نقل منقولات در کتاب‌ها، جوازی برای استدلال به آن نیست با این‌که در آن چیزهای بسیار از کذب هست و ثانیاً گفته می‌شود که حدیث‌شناسان می‌دانند که این دروغ است. همانا این اثری که از ابن عباس نقل شده، دروغ بر او است و اسنادی که شناخته شود ندارد... و همین ابن عباس، بسیار از او در تفسیر با اسانید ثابت نقل شده و در هیچ‌یک از آنها نامی از علی نیست. ابن عباس از عمر، أبوهیره، عبدالرحمن بن عوف، زید بن ثابت، ابی بن کعب، أسامة بن زید و ... روایت‌ها نقل کرده و روایتش از علی بسیار اندک است» (پیشین، ص ۲۴۱ و ۲۴۲).

### بررسی و نقد نظریهٔ ابن تیمیّه

نگاهی گذرا بر دیدگاه ابن تیمیّه، روشن نمود که وی اصرار دارد رابطهٔ شاگردی و استادی میان ابن عباس و امیر مؤمنان امام علی علیه السلام را انکار نماید و حتی وی را در منازعه با آن حضرت نشان دهد. برای روشن شدن این مسئله، ابتدا نیم‌نگاهی به دیدگاه ابن تیمیّه دربارهٔ اهل بیت علیهم السلام - به ویژه امام علی علیه السلام - انداخته، سپس به بررسی و نقد نظریهٔ وی مبنی بر انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، با تکیه بر منابع اهل سنت، می‌پردازیم.

از جمله کسانی که بر خلاف قاطبهٔ مسلمانان، دشمنی‌های سرسخت با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشته - و به همین دلیل، قرن‌ها است مورد توجه ویژهٔ وهابیان قرار گرفته، ارزشی فراوان نزد آنان یافته و افکارشان از وی سرچشمه می‌گیرد - تقی‌الدین أحمد بن عبدالحلیم حرّانی دمشقی حنبلی، معروف به «ابن تیمیّه» است.

از ویژگی‌های ابن تیمیّه، دشمنی با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. وی با تکذیب یا تضعیف یا توجیه روایات، ادعای اجماعات وهمی، انکار حقایق مسلم تاریخی، نسبت دادن دروغ به مخالفان خویش، نسبت دادن دروغ به اهل بیت علیهم السلام و دفاع از مخالفان اهل بیت علیهم السلام، تلاش می‌کند جایگاه فرازمند ایشان را در قرآن و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان، نادیده گرفته و آن را تنزل بدهد. بر همین اساس، وی هر آن‌چه را که مربوط به تفضیل اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، سخاوتمندانه ریشه‌کن می‌کند.

بررسی نظریهٔ ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی علیه السلام، و نقد...

بیشترین هجمه‌ها را ابن تیمیّه در کتاب «منهاج السنّة النبویّة فی نقض کلام الشیعة و القدریّة» دارد که در پاسخ به کتاب «منهاج الکرامه فی معرفة الإمامة» اثر علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (۶۴۸-۷۲۶ ق) نگاشته است. شاید بتوان گفت که تنها با مطالعه کتاب «منهاج السنّة»، به خوبی می‌توان به منطق، فرهنگ، اعتقاد، فقه و روش وی با منابع تشریح اسلامی و تاریخی نویسنده‌اش پی برد. وی کتاب را با هدفی خاص نگاشته است.

او انبوهی از خبرهای مستند و معتبر در منابع اهل سنّت را بدون دلیل نمی‌پذیرد و - سخاوتمندانه آنها را تضعیف، تکذیب و توجیه می‌کند؛ برای نمونه، وی آیه «تطهیر» و شأن نزول آن را توجیه می‌کند (پیشین، ص ۳۱-۳۸؛ نیز رک: محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۶۳ و ۶۴)؛ نزول آیه «مباهله» را در خصوص اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌پذیرد (ابن تیمیّه حرانی، پیشین، ج ۴، ص ۵۲-۵۵)؛ حدیث «ثقلین» را تضعیف و توجیه می‌کند (پیشین، ج ۴، ص ۱۶۵)؛ حدیث «سفینه» را تضعیف نموده و ادّعا می‌کند که هیچ اسناد صحیحی برای آن شناخته نمی‌شود (پیشین، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)؛ حدیث «باب» را تکذیب می‌کند (پیشین، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)؛ حدیث «أفضاکم علی» را تضعیف می‌کند (پیشین، ص ۲۱۶-۲۵۲)؛ حدیث «سلونی» را توجیه می‌کند (پیشین، ص ۲۴۸-۲۵۰)؛ ماجرای مشهور «مجنونه» (پیشین، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۳) و «زنی که شش‌ماهه زاییده بود» (پیشین، ص ۲۳۸ و ۲۳۹) و رجم آنها توسط عمر را توجیه می‌کند و برای این سخن خلیفه دوم: «لو لا علی لهلک عمر» - که بارها در پی قضاوت‌های شگفت امام علی علیه‌السلام به زبان آورده است - توجیه‌های بدتر می‌آورد. (پیشین، ص ۲۲۱-۲۲۳ و ۲۳۹).

ابن تیمیّه در میان مسلمانان، مخالفان بسیار دارد و نقدهای فراوان بر او وارد شده است.<sup>۱</sup> بررسی‌های بیشتر و ژرف‌تر درباره چپستی، چرایی و چگونگی افکار ابن تیمیّه، مجالی دیگر می‌طلبند و

۱- برای آگاهی بیشتر از افکار و عقاید ابن تیمیّه و نقدهای وارد بر وی، رک: کاشف الغطاء، محمدحسین، نقض فتاوی الوهابیّة؛ دحلان، أحمد بن زینی، فتنة الوهابیّه؛ محمدعلی، سید عبدالله، معجم ما ألقه علماء الأئمة الإسلامیّة ضد الوهابیّة؛ الکتیری، السید محمد، السلفیّة بین أهل السنّة و الإمامیّة؛ عبدالسلام، عمر، مخالفة الوهابیّة للقرآن و السنّة؛ حلمی بن سعید اسلامبولی، حسین، علماء المسلمین و الوهابیون؛ زیندی، عبدالرحمن بن زید، السلفیّة و قضايا العصر؛ بلاغی، محمدجواد، الردّ علی الوهابیّة؛ کاردان، غلامحسین، الردّ علی شبهات الوهابیّة؛ کورانی، علی، الوهابیّة و التوحید؛ رضوی، سید مرتضی، صفحة عن آل سعود الوهابیین و آراء علماء السنّة فی الوهابیّة؛ حسینی میلانی، سید علی، دراسات فی منهاج السنّة لمعرفة ابن تیمیّه؛ حسینی میلانی، سید علی، ابن تیمیّه و إمامة علی علیه‌السلام؛ سنقری، محمدعلی، الوهابیون و البيوت المرفوعة؛ عبدالحمید، صائب، ←

از عهده این نوشتار خارج است. اکنون باید دید منابع اهل سنت درباره ابن عباس و رابطه شاگردی او با امام علی علیه السلام چه می‌گویند، تا از این مسیر، به میزان درستی یا نادرستی نظریه ابن تیمیّه دست یابیم.

### ابن عباس و جایگاه علمی امام علی علیه السلام

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قرشی هاشمی، صحابی گرانقدر و پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. مشهور است که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم درباره اش این گونه دعا کرده: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل؛ خداوندا! در دین، فقیهش گردان و تأویلش بیاموز»<sup>۱</sup>.

→ ابن تیمیّه فی صورته الحقیقیّه؛ طاهری خرم آبادی، سید حسن، پاسخ شبهات وهابیت؛ سقاف، حسن بن علی، سلفی‌گری وهابی؛ قزوینی، سید محمدحسن، فرقه وهابی و پاسخ به شبهات آنها؛ موسوی قزوینی، سید حسن، نقدی بر اندیشه وهابیان؛ حسن بن فرحان مالکی، مبلغ، نه پیامبر (قرائتی انتقادی بر مسلک شیخ محمد بن عبدالوهاب)؛ اسلامی، حسن، چهره حقیقی ابن تیمیّه پایه‌گذار افکار وهابیت؛ بوطی، محمد سعید رمضان، سلفیّه بدعت یا مذهب (نقدی بر مبانی وهابیت)؛ میردامادی، سید حسن، جنایت وهابیت؛ امین، سید محسن، تاریخ و نقد وهابیت؛ سید علوی، سید ابراهیم، تاریخچه، نقد و بررسی وهابی‌ها؛ سبحانی، جعفر، وهابیت، مبانی فکر و کارنامه عملی؛ رضوانی، علی اصغر، ابن تیمیّه، مؤسس افکار وهابیت؛ رضوانی، علی اصغر، شناخت سلفی‌ها (وهابیان)؛ رضوانی، علی اصغر، مبانی اعتقادی وهابیان؛ رضوانی، علی اصغر، سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات.

۱- أحمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۶ و ۳۱۴ و ۳۲۸ و ۳۳۵ (ابن عباس يقول: وضع رسول الله صلى الله عليه وسلم يده بين منكبى أو قال على منكبى فقال: «اللهم فقهه في الدين و علمه التأويل»); حاكم نيشابورى، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۳۴؛ هيثمى، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۷۶؛ ابن حجر، فتح البارى: ج ۱، ص ۱۵۵؛ ج ۷، ص ۷۸؛ ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ ابن أبى شيبه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۲۰؛ ابن راهويه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۳۰؛ هيثمى، بی‌تا، ص ۳۰۱؛ ضحاک، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۳۱؛ طبرانى لخمى، المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۹۷؛ همو، المعجم الأوسط: ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۴، ص ۲۷۳؛ همو، المعجم الكبير: ج ۱۰، ص ۲۶۳؛ ج ۱۱، ص ۹۱؛ ج ۱۲، ص ۵۵؛ نووى، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۹؛ متقى هندی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۴۵۹؛ مناوى، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۴۸؛ عجلونى جراحى، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲؛ مجاهد، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۹ و ۲۰؛ سفیان ثورى، بی‌تا، ص ۵؛ نخاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵۴؛ راغب اصفهانى، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۵؛ قرطبى، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۸؛ ابن قیم جوزى، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲؛ ابن کثیر دمشقى، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶ و ۳۵۵؛ زرکشى، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ثعالبى مالکى، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۶ و ۱۴۱؛ کردى، خطاط، ۱۳۶۵ق، ص ۱۸؛ ابن سعد، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۵؛ خطیب بغدادى، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ج ۱۴، ص ۴۳۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۶۹، ص ۱۷۱؛ ذهبى، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۳۹؛ ابن حجر عسقلانى، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴۴؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ابن کثیر دمشقى، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۸۳؛ ج ۸، ص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ مبارکفورى، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۶ و ۲۰۸.

بررسی نظریه ابن تیمیّه در انکار شاگردی ابن عباس علیه السلام و نقد...



او که خود، معروف به «ترجمان القرآن»، «إمام التفسیر» و «رئیس المفسرین» است؛ دربارهٔ سرچشمهٔ دانش تفسیر خویش، این گونه اعتراف می‌کند:

«ما أخذتُ من تفسیرِ فِعلِ علیٍّ؛ هر آن چه از تفسیر فرا گرفتیم، همه اش علی است»<sup>۱</sup>.

نیز می‌گوید:

«قرأتُ علیَّ رسولَ اللهِ ﷺ سبعینَ سورَةً، و ختمتُ القرآنَ علیَّ خیرِ الناسِ علیَّ بنِ أبی طالبٍ؛ هفتاد سوره را نزد رسول خدا ﷺ قرائت کردم، و [همه] قرآن را نزد بهترین مردم علی بن ابی طالب ختم کردم» (ایربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۵).

حاکم حسکانی، با ذکر سند، از طارق بن شهاب نقل می‌کند که گفت: «نزد عبدالله بن عباس بودم که تعدادی از [پسران] مهاجرین آمدند و به او گفتند: ای پسر عباس! علی بن ابی طالب چگونه مردی بود؟ گفت:

مُلَى جَوْفُهُ حُكْمًا و عِلْمًا و بَأْسًا و نَجْدَةً و قَرَابَةً من رسول الله: باطن او از حکمت، دانش، قدرت، ابهت و نزدیکی به رسول خدا ﷺ سرشار بود»<sup>۲</sup>.

سعید بن عمرو بن عاص می‌گوید: «به عبدالله بن عباس گفتیم: عمو جانم! چرا مردم به علی گرایش پیدا کرده بودند؟ گفت: یابن اخی، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَهُ مَا شَتَّى مِنْ ضَرْسٍ قَاطِعٍ فِي الْعِلْمِ وَ كَانَ لَهُ الْبَسْطَةُ فِي الْعَشِيرَةِ، وَ الْقَدَمُ فِي الْإِسْلَامِ، وَ الصُّهْرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، وَ الْفَقْهُ فِي السُّنَّةِ، وَ النُّجْدَةُ فِي الْحَرْبِ، وَ الْجُودُ بِالْمَاعُونِ؛ ای برادرزاده‌ام! همانا علی عليه السلام، هر اندازه از قطعیت در دانش را که بخواهی داشت، و جایگاهی ویژه نزد بستگان، تقدم در اسلام، دامادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شناخت عمیق از سنت، شجاعت در نبرد و بخشش نسبت به نیازمندی‌های مردم داشت»<sup>۳</sup>.

۱- قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵؛ مناوی، پیشین، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ثعالبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۰. نیز، ر.ک: ابن جبر، نهج الإيمان، ص ۲۷۴ (با این لفظ: «جَلَّ مَا تَعَلَّمْتُ مِنَ التَّفْسِيرِ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»).

۲- حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵؛ مناوی، پیشین، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ابن‌دمشقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴ (با این لفظ: «كَانَ مَلَى جَوْفِهِ عِلْمًا وَ حُكْمًا وَ بَأْسًا وَ نَجْدَةً مَعَ قَرَابَتِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ»); أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۲.

۳- علوی، بی‌تا، ص ۱۷؛ أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۴ (و قول سعید بن عمرو بن العاص لم كان صغو الناس إلى علي مما فيه الأخبار بأن الجميع كان يرجع إليه لشهرته بالعلم بينهم); ابن‌أثير، پیشین، ج ۴، ص ۲۲؛ ابن‌عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۱۷ (با اختلاف در ألفاظ).

از ابن عباس نقل کرده‌اند که می‌گوید:

«العلم عشرة أجزاء أُعطيَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ منها تسعة، و الجزء العاشرُ بينَ جميعِ الناسِ؛ و هو بذلك الجزء أعلمُ منهم؛ دانش ده جزء است که نه جزء از آن به علی بن ابی طالب داده شده و جزء دهم در میان مردم [تقسیم شده] است؛ و [باز هم] او نسبت به آن یک جزء، داناتر از آنان است.»<sup>۱</sup> و می‌گوید:

«و الله لقد أُعطيَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ تسعةَ أعشارِ العلمِ و أيمُّ الله لقد شارككم في العشر العاشر: به خدا سوگند، نه دهم از دانش به علی بن ابی طالب داده شده و به خدا سوگند که در آن یک دهم نیز با شما مشارکت کرده است.»<sup>۲</sup>

نیز می‌گوید:

«العلم ستّة أسداسٍ و لعلّيٌّ من ذلك خمسةُ أسداسٍ و للناسِ سُدُسٌ و لقد شاركنا في سُدُسنا حتّى لهُوَ أعلمُ به منّا؛ دانش، شش جزء است و بهره‌ علی از آن، پنج ششم، و بهره مردم، یک ششم است و همانا در آن یک جزء نیز با ما مشارکت کرده، به گونه‌ای که نسبت به آن یک جزء نیز بی‌تردید داناتر از ما است.»<sup>۳</sup>

هم چنین می‌گوید:

«قُسِّمَ علمُ الناسِ خمسةَ أجزاءٍ فكانَ لعلّيٍّ منها أربعةُ أجزاءٍ و لسائرِ الناسِ جزءٌ و شاركهم عليٌّ في الجزء فكانَ أعلمُ به منهم؛ دانش مردم به پنج جزء تقسیم شده و بهره علی از آن، چهار جزء، و بهره سایر مردم، یک جزء است و علی در آن یک جزء با آنان مشارکت نموده و در آن نیز داناتر از آنان است.» (ابن عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۰۷).

ابن عساکر، با اسناد خویش از ابن عباس نقل می‌کند که گفت:

۱- حاکم حسکانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۰؛ قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۶ (با این لفظ: «العلم عشرة أجزاء، لعلّي تسعة أجزاء و للناس عشر الباقي و هو أعلمهم به».)

۲- حاکم حسکانی، پیشین؛ إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن اثیر، پیشین؛ بری، ۱۴۰۲ق، ص ۷۲؛ ابن دمشقی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴ (با این لفظ: «...شاركهم...»); أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۲.

۳- زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ق، ص ۱۲۸؛ إربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹ (با این لفظ: «أعطى علي تسعة أعشار العلم، و والله لقد شاركهم في العشر الباقي»); قندوزی حنفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۳؛ ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۲۱ (با این لفظ: «أعطى الامام علي رضي الله عنه تسعة أعشار العلم و إنه لأعلمهم بالعشر الباقي»); ج ۲، ص ۱۷۱ و ج ۳، ص ۱۴۴.



«إِذَا بَلَّغْنَا شَيْءًا تَكَلَّمْ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ أَوْ قَضَاءٌ وَثَبَّتَ، لَمْ نُجَاوِزْهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ إِنْ كَانَ مِنْ بَرِيدٍ مَا يَأْتِيهِ»<sup>۱</sup>

نیز ابن عساکر، با اسناد خویش از ابن عباس نقل می‌کند که گفت:  
«إِنَّا إِذَا ثَبَّتْنَا لَنَا الشَّيْءَ عَنْ عَلِيٍّ، لَمْ نَعْدِلْ بِهِ إِلَى غَيْرِهِ؛ هَمَانَا إِنْ كَانَ مِنْ بَرِيدٍ مَا يَأْتِيهِ»<sup>۱</sup>

شود، از وی به دیگری عدول نمی‌کنیم»<sup>۱</sup>.  
ابن سعد با اسناد خویش، از ابن عباس نقل کرده است که گفت:  
«إِذَا حَدَّثْنَا ثَقَّةٌ عَنْ عَلِيٍّ بِفَتْيَا، لَا نَعْدُوها؛ إِنْ كَانَ مِنْ بَرِيدٍ مَا يَأْتِيهِ، فَتَوَابِيهِ رَأَى عَلِيٌّ مَا نَقَلَ، مِنْ تَجَاوُزِ غَيْرِهِ»<sup>۲</sup>.

ابن حجر می‌گوید: ابن سعد با اسناد صحیح از ابن عباس نقل کرده که گفت:  
«إِذَا حَدَّثْنَا ثَقَّةٌ عَنْ عَلِيٍّ بِفَتْيَا، لَمْ نَتَجَاوِزْها؛ إِنْ كَانَ مِنْ بَرِيدٍ مَا يَأْتِيهِ، فَتَوَابِيهِ رَأَى عَلِيٌّ مَا نَقَلَ، مِنْ تَجَاوُزِ غَيْرِهِ»<sup>۳</sup>.

ارادت ابن عباس، تنها به امیر مؤمنان علیه السلام محدود نمی‌شود. وی ارادتی ویژه به همه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته است. خطیب بغدادی، از مدرک بن زیاد نقل می‌کند که درباره ارادت ابن عباس به امام حسن و امام حسین علیهما السلام گفت:

«وَقَدْ يُرَوَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَمْسَكَ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ رُكَايَتَهُمَا حِينَ خَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ مَنْ حَضَرَهُ أَتَمْسِكُ لَهُدْيَ الْحَدِيثَيْنِ رُكَايَتَهُمَا وَأَنْتَ أَسْنُ مِنْهُمَا؟ قَالَ لَهُ أَسْكَتْ يَا جَاهِلُ، لَا

۱- ابن عساکر، پیشین؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۲۳؛ قندوزی حنفی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مزنی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۸۶؛ ابن حجر عسقلانی، پیشین، ج ۷، ص ۲۹۷؛ أحمد بن صدیق مغربی، پیشین، ص ۷۳ و ۷۴ (با این لفظ: «كُنَّا إِذَا أَتَانَا الثَّبِتَ عَنْ عَلِيٍّ لَمْ نَعْدِلْ بِهِ»); ابن حجر عسقلانی، الإصابه: ج ۴، ص ۴۶۷ (با این لفظ: «إِذَا جَاءَنَا الثَّبِتَ عَنْ عَلِيٍّ لَمْ نَعْدِلْ بِهِ»); صالحی شامی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۸۹ (با این لفظ: «فَإِذَا ثَبَّتْنَا لَنَا الشَّيْءَ الْبَاقِي عَنْ عَلِيٍّ لَمْ نَعْدِلْ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ»).

۲- ابن سعد، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۸؛ ابن عساکر، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۶؛ متقی هندی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۶۶ (به نقل از ابن سعد)؛ بلاذری، پیشین، ص ۱۰۰؛ ابن عساکر، پیشین، ج ۴۲، ص ۴۰۷.

۳- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۷، ص ۶۰؛ ابن عساکر، پیشین، (با این لفظ: «إِذَا بَلَّغْنَا شَيْءًا تَكَلَّمْ بِهِ عَلِيٌّ مِنْ فِتْيَا أَوْ قَضَاءٍ وَثَبَّتَ لَمْ نُجَاوِزْهُ إِلَى غَيْرِهِ»); علوی، پیشین، ص ۱۶ (با این لفظ: «إِذَا صَحَّ الْأَمْرُ عَنْ عَلِيٍّ فَلَا نَتَجَاوِزُهُ»).

يَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ إِلَّا ذُو الْفَضْلِ؛ از ابن عباس نقل می‌کنند هنگامی که حسن و حسین از نزد او می‌رفته‌اند، رکاب ایشان را نگه داشته است، یکی از کسانی که نزد ابن عباس بوده، به وی می‌گوید: آیا تو رکاب این دو جوان را می‌گیری در حالی که سن تو از آنان بیشتر است؟ ابن عباس به وی می‌گوید: ساکت باش ای جاهل! فضیلت را برای اهل فضیلت، تنها صاحب فضیلت می‌شناسد.<sup>۱</sup>

### جمع بندی و نتیجه گیری

از آن چه در این نوشتار بیان شد، مطالب و نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- ابن عباس، دانشمندی بزرگ و مفسری عالی مقام است و جایگاهی ویژه نزد رسول خدا ﷺ، اهل بیت رسول خدا ﷺ - به ویژه امام علی ﷺ - و مسلمانان دارد؛
- ۲- با توجه به اعتراف ابن عباس و با استناد به منابع معتبر نزد اهل سنت، بزرگ‌ترین استاد وی پس از رسول خدا ﷺ، امیرمؤمنان امام علی ﷺ بوده است؛
- ۳- ابن عساکر، ابن سعد، ابن حجر، ابن اثیر، مزّی و دیگران، از ابن عباس نقل کرده‌اند که وی و سایر صحابه، هر گاه قضاوت یا فتوایی از امام علی ﷺ به دستشان می‌رسید، با دیده تکریم و اعتبار به آن می‌نگریستند و به سراغ دیگران نمی‌رفتند. این دیدگاه صحابه، نشان دهنده گستره مرجعیت علمی و اعتبار سنت امیر مؤمنان ﷺ نزد ایشان است.
- ۴- با تصریح ابن عباس به فراگیری همه تفسیرها از امیرمؤمنان ﷺ و ختم همه قرآن نزد آن حضرت، آیا باز هم می‌توان ادعا کرد «این سخن که ابن عباس شاگرد علی است، باطل است»؟! نتیجه آن‌که: نظریه ابن تیمیّه مبنی بر انکار شاگردی ابن عباس نزد امام علی ﷺ، به دلیل تعارض با مسلمات روایی و تاریخی، پذیرفتنی نبوده و قابل نقد می‌باشد؛ بلکه با استناد به منابع معتبر نزد اهل سنت، این مطلب استفاده می‌شود که بزرگ‌ترین استاد ابن عباس پس از رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان امام علی ﷺ است.

### منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.

۱- ر.ک: خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۵ و ۱۵۶. این ماجرا را ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب»، ج ۳، ص ۱۶۸ و مجلسی در «بحار الأنوار»، ج ۴۳، ص ۳۱۹ با ألفاظ گوناگون آورده‌اند. نیز ر.ک: ابن کثیر، پیشین، ج ۸، ص ۴۱ و ۴۲؛ صالحی شامی، پیشین، ج ۱۱، ص ۷۰.

- ٢- ابن أبي شبيهه كوفي، المصنّف، تحقيق: سعيد محمّد اللحام، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٩ق.
- ٣- ابن أثير، عزّالدين أبو الحسن عليّ بن أبي الكرم محمّد بن محمّد بن كريم بن عبدالواحد شيباني، أسد الغابة في معرفة الصحابة، إسماعيليان، تهران، بي.تا.
- ٤- ابن تيميه حرّاني، منهاج السنّة النبويّة في نقض كلام الشيعة و القدريّة (منهاج الاعتدال في نقض كلام أهل الرّفص و الاعتزال)، تحشيه و تخريج: عبدالله محمود محمّد عمر، دارالكتب العلميّه، بيروت، ١٤٢٠ ق.
- ٥- ابن حبان، محمّد بن حبان بن أحمد أبوحاتم تيميمي بُستي، علاءالدين علي بن بلبان الفارسي، صحيح بن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: نشعيب الأرنؤوط، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤١٤ق.
- ٦- ابن حجر عسقلاني، تهذيب التهذيب، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٤ق.
- ٧- \_\_\_\_\_، الإصابه في تمييز الصحابة، تحقيق: شيخ عادل أحمد عبدالموجود، دارالكتب العلميّه، بيروت، ١٤١٥ق.
- ٨- ابن دمشق، شمس الدين أبو البركات محمّد بن أحمد دمشقي باعوني شافعي، جواهر المطالب في مناقب الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام، تحقيق: علامه شيخ محمّد باقر محمودي، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّه، قم، ١٤١٥ق.
- ٩- ابن راهويه، إسحاق بن إبراهيم بن مخلد حنظلي مروزي، مسند ابن راهويه، تحقيق: دكتور عبدالغفور عبدالحق حسين بردالبوسى، مكتبة الإيمان، مدينة منوره، ١٤٢٢ق.
- ١٠- ابن سعد، الطبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، بي.تا.
- ١١- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، الحيدريه، نجف، ١٣٧٦ق.
- ١٢- ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: علي شيرى، دارالفكر، بيروت، ١٤١٥ق.
- ١٣- ابن قديم جوزى، شمس الدين محمّد بن أبي بكر ذرعى دمشقي، الأمثال في القرآن الكريم، مكتبة الصحابه، بطنطا، ١٤٠٦ق.
- ١٤- ابن كثير دمشقي، حافظ أبو الفداء إسماعيل بن كثير، البداية و النهاية، تحقيق: علي شيرى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ق.
- ١٥- أبونعيم إصفهاني، أحمد بن عبدالله، ذكر أخبار إصبهان، چاپ: بريل، ١٩٣٤م.

- ١٦- أحمد بن صديق مغربي، فتح الملك العلي بصحة حديث باب مدينة العلم على عليؑ، تحقيق: محمد هادي أميني، مكتبة أمير المؤمنين، اصفهان، بي.تا.
- ١٧- أحمد بن حنبل، مسند أحمد، دارصادر، بيروت، بي.تا.
- ١٨- \_\_\_\_\_، فضائل الصحابة، دارالكتب العلمية، بيروت، بي.تا.
- ١٩- إربلي، علي بن عيسى بن أبي الفتح، كشف الغمة في معرفة الأئمة، دارالأضواء، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
- ٢٠- ألباني، محمدناصرالدين، تمام المنّة. (تمام المنّة في التعليق على «فقه السنّة»، المكتبة الاسلاميّة، دار الراية، عمان - رياض، چاپ سوم، ١٤٠٩ق.
- ٢١- برى، محمد بن أبي بكر أنصاري تاهساني، الجوهرة في نسب الإمام علي و آله، تحقيق: دكتور محمد تونجي، مؤسّسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٢ق.
- ٢٢- ثالبي مالكي، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف أبوزيد، تفسير الثعالبي معروف به: الجواهر الحسان في تفسير القرآن، تحقيق: دكتور عبدالفتاح أبوسنّه - شيخ على محمد معوض - شيخ عادل أحمد عبدال موجود، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ١٤١٨ق.
- ٢٣- حاجي خليفه، كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، دارإحياء التراث العربي، بيروت، بي.تا.
- ٢٤- حاكم حسكاني، عبيدالله بن أحمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في أهل البيت، تحقيق: شيخ محمد باقر محمودي، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة (التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى)، ١٤١١ق.
- ٢٥- حاكم نيشابوري، محمد بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: دكتور يوسف مرعشلي، دارالمعرفة، بيروت، ١٤٠٦ق.
- ٢٦- حويزي عروسي، عبد علي بن جمعه، تفسير نور الثقلين، تحقيق: سيدهاشم رسولى محلاتي، إسماعيليان، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ق.
- ٢٧- خطيب بغدادى، أبوبكر أحمد بن علي، تاريخ بغداد أو مدينة السلام، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٧ق.
- ٢٨- ذهبى، أبو عبدالله شمس الدين محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - حسن الأسد، مؤسّسة الرساله، بيروت، چاپ پنجم، ١٤١٣ق.
- ٢٩- راغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، دفتر نشر الكتاب، ١٤٠٤ق.

- ۳۰- روحانی، سیدمحمد، توضیح المسائل، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ۳۱- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، داراحیاء الکتب العربیّه، قاهره، ۱۳۷۶ق.
- ۳۲- زرندی حنفی، جمال‌الدین محمد بن یوسف بن حسن بن محمد، نظم دُرر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین، چاپ: از مخطوطات کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۷ق.
- ۳۳- سفیان ثوری، أبو عبدالله سفیان بن سعید بن مسروق ثوری کوفی، تفسیر سفیان الثوری. تحقیق: لجنة من العلماء، دارالکتب العلمیّه، بیروت، بی‌تا.
- ۳۴- صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد (سبل الهدی فی سیرة خیر العباد). تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۳۵- ضحاک، عمرو بن أبی عاصم، الآحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل أحمد الجوابره، دارالدراية، ۱۴۱۱ق.
- ۳۶- \_\_\_\_\_، کتاب السنّة، تحقیق: محمد ناصرالدین ألبانی، المكتب الإسلامي، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
- ۳۷- طبرانی لخمی، سلیمان بن أحمد بن أيوب، المعجم الكبير، تحقیق: حمدي عبدالمجيد السلفی، مكتبة ابن تيمية، قاهره، چاپ دوم، بی‌تا.
- ۳۸- \_\_\_\_\_، المعجم الأوسط، تحقیق: إبراهيم حسینی، دار الحرمین، بی‌تا.
- ۳۹- \_\_\_\_\_، المعجم الصغير، دارالکتب العلمیّه، بیروت، بی‌تا.
- ۴۰- عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمد، كشف الخفاء و مزيل الالباس، دارالکتب العلمیّه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۴۱- عظیم‌آبادی، محمد شمس‌الحق، عون المعبود شرح سنن أبی داود، دارالکتب العلمیّه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- ۴۲- علوی، سیدعلی بن محمد، دفع الارتیاب عن حدیث الباب، دار القرآن الکریم، بی‌تا.
- ۴۳- قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد أنصاری، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، مؤسسه التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.

- ٤٤- قندوزى حنفى، سليمان بن إبراهيم، ينابيع المودة لذوى القربى، تحقيق: سيد على جمال أشرف حسيني، دارالأسوه، ١٤١٦ق.
- ٤٥- كردى خطاط، محمد طاهر، تاريخ القرآن الكريم، مصطفى محمد يغمور، مكه، ١٣٦٥ق.
- ٤٦- مباركفورى، تحفة الأحوذى فى شرح الترمذى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٠ق.
- ٤٧- متقى هندی، كنز العمال، تحقيق: شيخ بكرى حيانى، شيخ صفوة الصفا، مؤسسه الرساله، بيروت، بى تا.
- ٤٨- مجاهد بن جبر تابعى مكى مخزومى، ابن المصباح، تفسير مجاهد، تحقيق: عبدالرحمن طاهر بن محمد سورتى، مجمع البحوث الإسلاميه، اسلام آباد، بى تا.
- ٤٩- محمد بن عبدالوهاب، المسائل التى لخصها شيخ الإسلام محمد بن عبدالوهاب من فتاوى ابن تيميه، دار عالم الكتب، رياض، ١٤٠٨ق.
- ٥٠- مزى، أبوالحجاج يوسف، تهذيب الكمال. تحقيق: دكتور بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله، بيروت، چاپ سوم، ١٤٠٨ق.
- ٥١- نخاس، أبو جعفر، معانى القرآن، تحقيق: شيخ محمد على صابونى، جامعه أم القرى، عربستان، ١٤٠٩ق.
- ٥٢- نسائى، أبو عبدالرحمن أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، تحقيق: دكتور عبدالغفار سليمان البندارى - سيد كسروى حسن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١١ق.
- ٥٣- نووى، محيى الدين أبودكرى يحيى بن شرف، الأذكار النوويه، دارالفكر، بيروت، ١٤١٤ق.
- ٥٤- \_\_\_\_\_، صحيح مسلم بشرح النووى، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ق.
- ٥٥- هيثمى، نورالدين على بن أبى بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ق.
- ٥٦- \_\_\_\_\_، بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، تحقيق: مسعد عبدالحميد محمد سعدنى، دارالطلائع، بى تا.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ